

# اصول و مبانی تحلیل امنیت

## (یافته ها و کاستی های مکتب کپنهاگ) - ۲

(گفتگوی علمی)

□ اشاره:

"محمد ایوب" امنیت در جهان سوم را کبیک چندلایه ای می داند که برای هرکس که آن را با هدفی برمی دارد، طعم های گوناگونی را دربردارد. و این طعم ارتباط تام با این معنا دارد که کشور مذکور امنیت خود را چگونه تعریف کرده و منافع خود را در تعامل و تعارض با کدام ایدئولوژی، قدرت و منطقه تنظیم کرده باشد. ماهیت دولت و مشکلات حاکم بر فضای کشورهای در حال توسعه در تقابل فرهنگی و ایدئولوژیک با قدرت های هژمون در عصر امروزین، از یک سو به همراه ضرورت توجه به هنجارهای بین المللی که تضمین کننده استقلال حقوقی و تمامیت ارضی دیگر کشورها و بازیگران منطقه ای و بین المللی از سوی دیگر، توجه به بافت و ادبیات مستحکم و قابل اتکاء امنیتی را در این کشورها گوشزد می نماید تا بتوانند برتری حوزه سیاسی خود را ساماندهی کرده و رهافیت های محوری را در دستیابی به قدرت مشروع فراهم سازند و در این میان اصلی ترین نکته در تحقق این نظریه امنیتی، تعریف ارتباط بنیادین میان مفهوم امنیت و دولت از منظر فلسفه سیاسی آن کشور است تا بتوان در پناه این پارادایم، تمامی تحولات و رخدادها را در حیطه امنیت ملی توصیف و تحلیل نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### دکتر عساریان نژاد:

به دلیل اینکه بعد از تحولاتی که در گذار رئالیسم و نئورالیسم در حوزه امنیت اتفاق افتاد مکتب کپنهاگ مباحث جدیدی را مطرح کرد که نقطه آغازینش توجه به امنیت اجتماعی و نهادهای برخاسته از آن به عنوان مرجع جدیدی از امنیت بود که در کنار دیگر مراجع امنیتی که به هویت، دولت مباحثی همچون تعارض تاریخی قدرت فی مابین مثلث دولت، ارتش و مردم و پیچیدگی که در این معمای قدرت امنیت ناشی از این سه ضلع شکل می‌گیرد توجه بیشتری نشان داد و در نهایت نقطه عطفش هم بحث غیر امنیتی کردن هر چه بیشتر پدیده‌های امنیتی بود که بوزان آن را تأیید کرده و می‌گوید که هر چه بیشتر پدیده‌های امنیتی در قالب پارادایم‌های سیاسی قرار گیرد، سطح امنیتی شدن پدیده‌ها کاهش پیدا می‌کند. جدای از آنکه این مباحث چگونه و چرا با یک فرهنگ مطالعاتی وارد کشور ما شد و در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی ریشه دوانید و خیلی از رویکردهای مسئولین به امنیت را در نوردید که شاید رنگ و ظاهر اسلامی نیز به آن زده می‌شد. ولی در عمل رویکردی غربی بود که در قالب مطالعات امنیتی موجی جدید را حادث شده بود و با گرایش‌های گذرگونه خود که در آن میل به رفتارهای نورنالیستی امنیت بیشتر جلب توجه می‌کرد قادر به تجویز و توجیه هیچ ساختار و بافتاری نشده بود. اما در هر صورت غلظت توجه آن به رویکرد‌های امنیت محور و آن نوع الگوئی که ارائه کرده بود توانست خود را به حوزه مطالعات امنیتی کشور وارد و سطحی از مقبولیت را به خود اختصاص دهد. ولی این نگرانی هم وجود داشت که به دلیل کاستی‌های که در این مکتب نسبت به فضای ایدئولوژیک و محیط امنیتی مورد تأکید نظام و تهدیدات متوجه آن دانست بتواند زیر ساختهای اساسی کشور را که نخبگان امنیتی بایستی برای فراگیران علوم امنیتی مشروع جلوه دهند، تحت پوشش قرار داده و شاید در ادامه راهش به گونه‌ای عمل کند که دیگر امکان تغییر ادبیات تحلیلی آن به سختی ممکن شود. لذا تقاضا کردیم میزگرد مرحله دوم خود را در قالب بررسی کاستی‌های مکتب کپنهاگ برگزار کنیم که در صورتی که پژوهشگران امنیتی مایل باشند از رویکردهای این مکتب استفاده کنند، به آسیب‌ها و کاستی‌های این مکتب هم توجه کنند. توجه داشته باشیم که بوزان خود در یک

موضع گیری و سخنرانی علمی خود عنوان کرده بود که ادبیات غرب نمی تواند چاره ساز و تحلیل گر مشکلات خاورمیانه باشد. لذا وقتی واصغین این مکتب قبول دارند که این مکتب چون در غرب و با نیازهای غرب نسخه پیچی شده ، چه اصراری وجود دارد که به هر شکل تلاش کنیم تا مکتب را درمان آلام امنیتی دانسته و رویکردهای آن را پیاده سازی کنیم . با توجه به شرایط خاورمیانه شاید نتوان به کارکرد این مکتب تکیه کرد و ضرورت دارد کاستی های این مکتب بررسی شود. ضروری می دانم ضمن تشکر از توجه دانشکده امنیت ملی به این موضوع مهم اشاره نمایم که در جلسه گذشته ۳ سوال مطرح و مورد بحث قرار گرفت. سوال اول این بود که اصولاً کدامیک از نارسایی های حوزه مطالعات امنیتی باعث رشد مکتب کپنهاگ شده؟ و سوال دوم اینکه در این روند بازسازی مفهوم امنیت، چه سهمی را از نیمه دوم قرن بیستم باید به مکتب کپنهاگ بدهیم؟ مکتب کپنهاگ در واقع در سال ۱۹۶۷ با حضور جمعی اندیشمندان روابط بین الملل، شکل گرفت و دقیقاً مطالعات امنیتی را در سال ۱۹۹۰ ارائه دادند و شکل گرفت و صحبت شد. اما در این میزگرد تلاش می کنیم مرجع شناسی امنیتی در مکتب کپنهاگ را مورد مذاقه قرار دهیم که بر اساس کدام نیاز امنیتی شکل می گیرد و چرا دیگر مراجع، مادون آن قرار می گیرند و به موضوع امنیت تبدیل می شوند؟ به بیانی دیگر نیازهای هویت بخش مرجع امنیت و الویت های موضوع یابی آن بر چه رویکردی استوار است و منطق مکتب کپنهاگ بر چه اساسی آن را حمایت می کند؟ از آقای دکتر ره پیک تقاضا دارم سخن را آغاز بفرمایند.

### دکتر ره پیک:

بسم الله الرحمن الرحيم. همان طور که اشاره شد، این مکتب در بسیاری از کشورها حتی اروپایی و امریکایی به عنوان مکتبی جدید در تحلیل امنیت که حرفهایی نو برای طرح دارد، شناخته شده است. بعضی ها مثل واضعین خود این مکتب ممکن است اعتقاد داشته باشند که ایده های نو جدیدی دارند. و برخی دیگر ممکن است بگویند که مکتب کپنهاگ حرف جدیدی ندارد و یا مدعی شوند که در واقع یک گرایش درونی به رئالیسم دارد. آنچه که برای ما مهم است در مورد هر

مکتبی این است که آن را مطالعه کرده و به آموزه‌های آن توجه داشته باشیم و نیز اگر امکان داشت از آن بهره‌برداری کنیم. پس در این مسئله روشن‌شکی نداریم. خصوصاً در نظریات جدیدتر که موضوع امنیت منطقه‌ای محور اصلی مباحث قرار گرفته به هر حال یکی از ادعاهای این مکتب این است که هم از منظر نظر وهم از منظر مطالعات تجربی این مکتب قابل‌تایید هست و قابل‌اتکاء.

### **دکتر عساریان:**

البته حتماً قبول دارید که بخش عمده‌ای از ایده‌های این مکتب مربوط به حوزه خاصی از اروپا می‌شود. خیلی از موضوعاتی که در اتحادیه اروپایی وجود دارد در جاهای دیگر کمتر به چشم می‌خورد.

### **دکتر ره‌پیک:**

وقتی که محور بحث مکتب مجموعه امنیتی قرار می‌گیرد طبیعتاً در خود سهم مجموعه امنیتی که کل جهان را ما به چند مجموعه تقسیم بندی کنیم، این تمایزات هم قابل بحث است. بعضی‌هاشان هم قابل فهم نیست که چرا این اتفاق افتاده است. لذا در بعضی موارد تطبیق اصول این مکتب با حوزه‌های خاصی دشوار است ولی از این طرف مبانی کلی این مکتب یا به صورت مطرح شده‌اش، میتواند راه‌حلی را در مقابل ما قرار دهد. در مجموع به نظر من مکتب کپنهاگ می‌تواند در مقابل سایر نظریات قابل توجه قرار بگیرد و امتیازاتی هم قابل استفاده دارد ولو با اصلاحات که بتوان از آن استفاده کرد.

### **دکتر عساریان نژاد:**

البته باید در نظر داشته باشیم در برخی محورهای اصلاح و تطبیق‌سازی سخت می‌شود که شاید به صلاح و منطق نیست که تن به عوارض آن هم بدهیم. ضمن آن که ترجمان بدمتون و برخی سوء برداشتهای هم ممکن است بعضی مواقع اتفاق بیافتد.

### دکتر ره پیک:

بعضی برداشت ها اصلاً ربطی به مکتب کپنهاگ نداشته که آقایان انجام دادند. به طور مثال در امنیتی یا غیر امنیتی کردن. ما هم می گوییم که بایستی نه افراط شود نه تفریط. البته گزارشی که مکتب کپنهاگ میکند این است که اگر چه واضح این نظریه مکتب کپنهاگ است ولی در گزارشات خودشان نیز آنان استفاده کرده اند. که قبل از مکتب کپنهاگ این موضوع طرح شده است. در آخرین کتابی که طرفداران این مکتب منتشر کرده اند، توضیح می دهند که در بحث امنیت ۲ نظام کلی وجود دارد مضیق و موسع. در نگاه مضیق بحث های مرجعیت دولت به تنهایی و موضوع نظامی گری به صورت سنتی مطرح و حمایت می شود. در نگاه موسع موضوعات دیگری نیز مطرح می نمایند. کسانی که نگاه موسع پیدا کرده اند شاید نقطه شروع خود را از حوزه های اقتصادی و محیط زیست و استقرار آن را مساله امنیت طرح کرده اند و از آنجا داخل حوزه های دیگر شده. بعضی آمدند در حوزه اقتصاد تأثیرات حوزه اقتصادی را در حوزه نظامی مطرح کردند.

### دکتر عساریان:

پس شما بر این تصور هستید که این مسائل در مکاتب قبلی نیز بوده است و در واقع مکتب کپنهاگ تنها این پارادایم که توسط دیگران آمده است را توسعه و گسترش داده است.

### دکتر ره پیک:

بله همین گونه است. اینها می گویند که با توجه به توسعه ارتباطات، اگر مسئله امنیت را از منظر حوزه تهدید بررسی کنیم به این نتیجه میرسیم که تهدید منحصر به حوزه های خاص سنتی خود نمی شود. موضوعات دیگری هستند که درحوزه تهدید باید گنجانیده شده و مجدداً بررسی شوند. در واقع ریشه و سرچشمه تنوع موضوعات امنیتی به حوزه تهدید شناسی بر می گردد اعتقاد بر این است که کار ما صرفاً یک کار مکانیکی و چسباندن امنیت به حوزه های دیگر نیست. که امنیت را بغل اقتصاد یا محیط زیست بگذاریم.

### **دکتر عساریان نژاد:**

به تعبیر دیگر از این منظر شما می‌خواهید از مکتب کپنهاگ این آموزه را فرا بگیرید که پدیده‌ها را به صورت جامع بررسی کنید. شاید اینکه حوزه‌های مزبور به امنیت نیز ارتباط چندانی نداشته باشند.

### **دکتر ره‌پیک:**

دقیقاً همین گونه است، بحث ما نگاه جامع به امنیت است. نگاه موسع نسبت به نگاه مضیق که از جهت مدیریت امنیتی ممکن است تفاوت‌هایی نیز داشته باشند. غیر امنیتی کردن پدیده‌ها یعنی اینکه نگاه موسع داشته باشیم. اگر ما حوزه امنیتی را مضیق می‌کردیم، به ما کمک می‌کرد به اینکه مسائل امنیتی محدود بشود. البته خود بنیان این مکتب به این تناقض ظاهری توجه دارد و به گونه‌ای آن را مدیریت کرده است. در واقع توزیع موضوعات امنیتی در موضوعات مختلف از نظر تاریخی سرچشمه‌اش توجه به بحث‌های حاکم در حوزه‌های غیر نظامی است. و از فرایند امنیتی شدن آن حداقل یکی را می‌توان حوزه تهدیدات دانست.

### **دکتر عساریان:**

البته در این مکتب موضوع نظامی موضوع مهم و قابل اتکاء است و حوزه مرجعیت دولت که در واقع معیار سنجش قدرت است نیز بسیار مهم است. جدای از آن که در کنار این‌ها موضوعات دیگری نیز مطرح شده است.

### **دکتر ره‌پیک:**

اینجا نمی‌گوییم که اهمیت مرجعیت دولت کم شده است، اما موضوعات دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است و بیشتر شده. اما بعضی مسائل مثل حوزه محیط زیست در امنیت یک سهم خاصی دارد. مثلاً سطح مسائل محیط زیست در حوزه بین‌المللی و سطح جهانی غیر قابل تردید است. در کنار موضوع دولت یا بخش نظامی این مکتب مسأله امنیت اجتماعی را به صورت جدی تر مطرح کرده است.

هویت هم همینطور و با همین انگیزه وارد این مکتب شده یا نگاه سازنده‌نگاری در مکتب کپنهاگ یا لوازم این روش که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد.

### **دکتر عساریان:**

در مجموع در بحث موضوعات امنیتی به نظرم در منظر حضرتعالی روند تحلیلی و نگرش مکتب کپنهاگ به این شکل قابل توجیه است که اهمیت قلمروها نسبت به دیگر قلمروها مطرح شده است؛ نه چیز دیگری.

□ **جناب آقای دکتر لک زائی، در خدمت شما هستیم با همین سؤال**

**و انتظار داریم که کاستیهای این مکتب را نیز بیشتر مورد توجه قرار دهید؛**

**کاستی‌های چالش‌زا در تحلیل و آسیب‌های حاکم بر شناخت**

**و ادراک محیط امنیتی می‌تواند باعث استفاده بیشتر میزگرد شود.**

### **دکتر لک زائی:**

علی‌القاعده غلظت بحث جناب آقای دکتر ره‌پیک باید روی کاستی‌های مکتب و مسأله قابل توجه دیگر متمرکز می‌شد. زیرا متدلوزی این میزگرد نقد و بررسی است. وقتی ما با یک نظریه امنیتی مواجه می‌شویم باید بدانیم که چه طور می‌توانیم آن را نقد کنیم. این نقد یکبار به صورت محتوایی و یکبار به صورت روشی. در خود روش نقد ۲ رویکرد یا جهت‌گیری می‌توانیم داشته باشیم. اولاً نقد کلان و سیستمی که تمام یک نظریه از نظر کلیت بررسی و نقد می‌شود که آیا واجد کارایی است؟ و دیگری نقد جزئی که وارد مؤلفه‌های آن نظریه می‌شویم. در این مواجهه با نظریات، کپنهاگ جزئی‌نگری را به شدت مضر می‌دانم. چون که در این مباحث علوم انسانی و فرهنگی خصوصاً در حوزه آسیب‌های کشورهای جهان سوم پیوند زدن نظریات بسیار خطرناک است. هر چند پیوند کوچک باشد، اما به تدریج با قیافه خیلی بزرگی از درون ظاهر و بنا را متحول می‌کند. خیلی از روشنفکران جهان اسلام آمده‌اند مفاهیمی همچون آزادی را از غرب وام گرفته و با آموزه‌های اسلام پیوند زده‌اند ولی از درون چیز دیگری متحول شده است. یعنی شما بعد از چند سال می‌بینید که اسلام با آن عوض شده است. چیزی که حضرت امام اصرار

کردند که در این قسمت باید بیشتر کار کنیم. به همین خاطر من روی نقد متمرکز می‌شوم.

### دکتر عساریان:

□ من خواهش می‌کنم پس با عنایت به دو رویکرد نقادی بفرمایید این مکتب در کلیات خودش با توجه به آموزه‌های ما چه نسبتی برقرار می‌کند و یا حالت پیوندی که مؤلفه‌های خاص این مکتب دنبال می‌کند چیست؟

### دکتر لک زائی:

به نظر من بهره برداری از این نظریه در ج.ا.ا. منتفی است. یعنی ما نباید به هیچ وجه چنین تفکری کنیم. البته به این معنا نه که این نظریه را شناسیم برای تعامل در دنیا باید بدانیم و بشناسیم. یک بخشی هم وجود دارد که ما می‌توانیم استفاده‌هایی را داشته باشیم که در ادامه اشاره خواهم کرد.

### دکتر عساریان:

□ خیلی سریع وارد نتیجه گیری شده اید. لطفاً بفرمائید چرا استفاده از این نظریه را در کلان خودش منتفی می‌دانید؟

### دکتر لک زائی:

به دلیل تمایزات جدی و اساسی آن در مبانی معرفت شناسی، جامعه شناسی، روش شناسی که میان آموزه‌ها و فرهنگ اسلامی با این نظریه می‌بینیم. اگر این نظر ریشه در واقع گرایی یا نو واقع گرایی داشته باشد. چنانچه آقای بوزان عمدتاً این موضع را دارد و یا دیگران اشاره کرده اند، مبانی آنها چیست؟ آنچه که ما به لحاظ همین مبانی و فلسفه و... امنیت در فرهنگ اسلامی مطرح می‌کنیم، چطور می‌شود این را ما بیایم از بحث مرجع امنیت ببینیم، بهره‌ای ببریم، در حالی که قلب این مکتب همین بحث مرجع امنیت است که طبق نظریه‌های امنیتی هم



همین‌طور است. من فقط یکی از این مبانی که روش‌شناسی است توضیح می‌دهم که روش‌شناسی ما چه تمایزاتی دارد، با دیدگاه اینها. بقیه را فقط به ذکر گزاره اصلی بسنده می‌کنم. در فرهنگ اسلامی، عقل، نقل، شهود و تجربه است. برای هر کدام حوزه و قلمرویی تعیین شده است. عقل تعیین‌کننده کلیات و ضروریات است. نقل به ویژه با تأکید بر فقه عرض می‌کنم. تعیین‌کننده حدود، جهت‌گیری‌ها، احکام تکلیفی و احکام وضعی است اما در بخش جهت‌گیری‌ها و تعیین حدود اینجا حتماً باید وحی به ما جواب بدهد.

### دکتر عساریان:

□ پس به نظر شما چرا بوزان نمی‌تواند مرز میان امنیتی کردن و آن اموری را که نباید امنیتی کرد تعیین بکند؟

### دکتر لک زائی:

برای اینکه این را شریعت به ما می‌گوید. شریعت است که ملاک می‌دهد که در جامعه اسلامی چه چیزی را باید و چه چیزی را نباید امنیتی کرد. به لحاظ هستی‌شناسی، به لحاظ معرفت‌شناسی برداشت من این است که عمدتاً غلبه با رویکردهای مادی است که روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی اینجا دچار مشکل با آنها می‌شود. به لحاظ غایت‌شناسی هم همین‌طور در نظریه اسلامی بحث عدالت و ظلم برای ما مهم است. در قرآن می‌فرماید که: "الذین آمنوا و لم یلسبوا..... بظلم اولئک لهم الامن" خوب شما عدل و ظلم را محور قرار می‌دهید؟ کارایی اش متفاوت است با نگاهی که دولت را محور و مرجع امنیت قرار می‌دهد. ممکن است که بگویید که کار نشده، خوب بیاییم عدل را تعریف کنیم در ساحت ساختارها قرار بدهیم و به سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بدهیم. از نگاه کلی و منطقی موافق هیچ مکتب امنیتی خارج از فرهنگ اسلامی نیست. نمی‌شود یک نظریه امنیتی با مبانی غیر از مبانی فرهنگی و دینی ما شکل گرفته باشد و بعد بگوییم که می‌توانیم این نظریه را به کار ببریم. فقط از دستاوردهای بشری و تجربی می‌توانیم استفاده کنیم. ولی نه در بخش معنا. در مورد نظریات مالکیت آنها

را یک بار در نظر می‌گیریم و بررسی می‌کنیم نحوه به کارگیری در ج.ا. که از این نظریه می‌شود استفاده کرد یا نه. شما فکر می‌کنید کسانی که استفاده از لیبرالیسم را در جهان مطرح کردند چه استدلالی داشته‌اند؟ شما مرحوم بازرگان را ببینید که می‌گوید مگر اسلام با استبداد مخالف نیست؟ در لیبرالیسم آزادی هست و ما از آن استفاده می‌کنیم. مگر اسلام با این مخالف است؟ ما می‌گوییم آزادی در لیبرالیسم هم هست در اسلام هم هست. کسی نمی‌گوید که نیست. این دو واژه که فرق ندارند هر دو آزادی هستند اما در مبانی فرق می‌کنند. اینها حمل فرهنگ و معنا می‌کنند، اگر ما در این نظریات به این نگاه کلی توجه نکنیم که امکان استفاده از این نظریات یا برای ما وجود ندارد یا کم است. این را می‌خواستیم در قسمت دوم بگوییم البته پاسخ مناسبی نیست که بگوییم ما کار نکردیم، ما باید کار کنیم. چطور در ج.ا. مراکزی وجود دارند که در مورد مباحث امنیتی غرب کار می‌شود برای ترجمه و تبیین اینها. یعنی یک مرکز درست نمی‌شود که صلح و امنیت را از دیدگاه اسلامی بررسی کند؟ باید ببینیم ده سال دیگر بگوییم که هنوز کار نکردیم، باید کار کرد و وارد شد. عرض کنم که یک شیوه که در نقد نظریه وجود دارد امنیت که در نظر بگیریم از کدام نظریات نمی‌توانیم یا می‌توانیم استفاده کنیم. اجازه بدهید یکی از جملات بوزان را بخوانم در صفحه ۴۰۵ کتاب مردم دولتها و هراس نگاه ایشان به حکومت‌های مذهبی را می‌خوانم:

*"تهدیدات سیاسی توسط کسانی احساس می‌شود که سیستم داخلی‌شان یا خارج از جریان تاریخ است مثل رژیم سلطنتی خود گامه یا حکومت‌های منطقه‌ای یا از جریان‌های تاریخی دور افتاده‌اند مثل دول کمونیستی یا در معرض خصومت همسایگان قرار دارند مثل پاکستان و هند یا نمی‌توانند با مسائل حکومتی روبرو شوند."*

ما از سویی دولتی داریم که حتماً باید بگوییم که دیدگاه امنیتی آن باید چه باشد؟ باید بگوییم اصلاً در مقابل مکتب کپنهاگ، مکتب تهران چیست؟ مکتب قم چیست؟ این دغدغه‌ها را داریم و چون بالاخره در دسر و زحمت دارد این کار، خوب صحبت از مکتب کپنهاگ خیلی راحت است دیگر. هم کوبیدنش هم تحلیلش و هم هضم کار کردهایی جدید آن ممکن است ۲ تا ۳ سال طول بکشد آخرش نتیجه اش بشود یک مقاله؟! کسی این راه را نرفته این راه مقدماتی دارد که این مقدماتش هم

در دانشگاه فراهم نمی شود که حالا شاید در ۲ تا ۳ دانشگاه دروس عربی یا معارف اسلامی و اینها تدریس بشود. اما کسانی که به صورت معمول در سیستم آموزشی شکل گرفته ،دیپلم، دانشگاه، ارشد، دکترا، از این نمی توانید اصلاً انتظار داشته باشید که با نهج البلاغه تخصصی کار کرده باشد یا با قرآن کاری نداشته با اینها.

### دکتر عساریان:

می خواستم خواهش کنم کمی هم به موضوع سؤال بپردازیم و یا به تعبیر شما نقد جزئی تر کنیم. جمع بندی بخش اول صحبت های شما یک نگاه کلی بود، که استفاده از نظریه های امنیتی تولید شده در جوامع غیر اسلامی و توسط غیر مسلمانها به جز در بخشهای تجربی و مطالعات قابل اتکاء و پیاده سازی نیست اما در مورد ساز و کارها و تحقیقات میدانی و روش های تجربی آنان چه؟ یعنی در متدلوژی، این مکتب کاستی هایی دارد و یا واجد امتیازی است و چرا؟

### دکتر لک زائی:

پرسش ها را هم قبول دارم. آنها را می توانیم مورد استفاده قرار بدهیم. به نظر من نقاط قوتی می توان در این نظریه پیدا کرد و نقاط ضعفی هم دارد وقتی جزئی به این مکتب نگاه کنیم. البته در حد اطلاعاتی که بنده دارم. توسعه مفهومی امنیت یکی از نقاط قوت این نظریه است. چرا این را می گوید چون اسلام هم باز البته نظر خودم امنیت که در فرهنگ اسلامی امنیت بسیار موسع دیده شده یعنی بسیار وسیعتر از آنچه در مکتب کپنهاگ دیده شده مواردی از این راهم که واقعاً خوب است اشاره خواهم کرد هر چند که معتقدم در جمهوری اسلامی ما این کار را نکرده ایم یعنی حتی توسعه مفهوم امنیت به اندازه بوزان را هم در ج.ا.ا. مورد توجه قرار نداده ایم. اتفاقاً در بحث مرجع امنیت در اسلام که خود دین جایگاه مهمی به نظر من دارد این باز تأکید بیشتری می شود. می گوید اگر امام حسین (ع) خودش را فدا می کند، برای این است که دین باید حفظ شود. امام حسن (ع) هم باید صلح کند که دین حفظ شود. امام رضا (ع) ولیعهدی را قبول می کند باز به خاطر حفظ دین شهید می شود. وقتی معصوم از جان خودش برای دین می گذرد والی آخر... باید

در جای خودش مورد توجه قرار گیرد. امنیت نباید در بعد نظامی خودش سنجیده شود. شاید شما از من بیشتر بدانید ولی برداشت من اینست که ما هنوز نگاه قبل از بوزان داریم به لحاظ علمی و به لحاظ خروجی‌ها در زمینه امنیت و تصمیم‌گیری‌ها. غیر از زمان جنگ که آن موقع البته به صورت دیگری خودش را نشان داده است. نکات امنیتی هم که ایشان مطرح کردند نقطه مقابل شما است برای این مکتب و ایشان به خوبی متوجه شده که هم نظریه رئالیست‌ها و نورئالیست‌ها مشکل دارد به صورت جدی و هم نظریه ایده‌آلیست‌ها. البته اگر اشتباه نکنم نظریه ایشان به دلیل اینکه فاقد یک مبنای فلسفی روشن است، آن طوری که ما در فرهنگ و فلسفه اسلامی می‌توانیم کالبد شکافی کنیم نیست. ما در فلسفه اسلامی می‌توانیم از مقوله به اصطلاح فلسفی نگاه کنیم به امنیت و بگویم امنیت یک مقوله ثانی است و در اینصورت یک منطق و ادبیاتی دارد که حالا در جای خودش بحث می‌شود. یا در بحث‌های فلسفی جدیدتر مثل فلسفه علامه طباطبایی که بگوئیم که امنیت از مفاهیم اعتباری بعد از اجتماع است و یا حتی قبل از اجتماع است. در یک توضیح دیگر طبق تفسیر علامه برای قبل و یا بعد از اجتماع و براساس آن منطق بیابیم و توضیحش بدهیم. ولی اصل این بحث به نظرم چیز خوبی است و رابطه فرهنگ و امنیت که باید توجه بشود همینجا باید بحث شود. بحث امنیتی ساختن با از نقاط قوت این نظریه است یعنی که ایشان بعد از آن همه بحث‌هایی که مطرح شده بود می‌آید و اینها را می‌شکند. این شجاعت را دارد و این بحث را مطرح می‌کند که نه امنیت در ساختن با جعل حقیقت روبرو هستیم به تعبیر پست مدرن‌ها و نه کشف حقیقت امنیتی ساختن ما را متوجه این موضوع می‌کند که بسیاری از چیزهایی را که مخصوصاً در سطح جهانی به عنوان بهانه‌های امنیتی مطرح می‌شود، اینها می‌توانند اینطور نباشند. نقد نظریات مسلط غربی از نقاط قوت این مکتب است. خود نظریه اساساً غربی است. یعنی اگر می‌گوییم گذر از نظریات غربی است باید بگوئیم عبور از نظریات غرب در خود غرب و بعد تولید نظریه غربی با مسائل و منافع آنها‌والی آخر که مستحضر هستید. این چند تا به نظر من رسید که بصورت فرعی بتوانیم اگر استفاده کنیم به صورت نقاط ضعف مورد توجه است. به نظرم بی‌توجهی ایشان به دین و مذهب که فرمودید که در این اثر اخیر

توجه کرده که من آن را مطالعه نکرده ام، که اگر اصلاح شده باشد که نقطه ضعف محسوب نمی شود. مسأله دوم برداشت من اینطور است که من فکر می کنم ایشان عدل را به نفع دولت قربانی می کند. اولاً آن تضادی که میان دولت و ملت و مردم تقسیم می کند در فرهنگ اسلامی ما تضاد وجود ندارد که ما بخواهیم از لحاظ امنیتی خودمان به آن توجه کنیم. شاید هم این برگردد به اینکه این ملت با تعریفی که ایشان می گویند ما نداریم. یعنی تعریف ما از دولت و منافع ملی با اینها متفاوت است که جای بحث بیشتر دارد و برداشت دیگر من این است که ایشان دولتهای ناراضی از وضع موجود را هم به نفع قدرت های قدرتمند قربانی می کند مخصوصاً در بحث هایی که در معماری قدرت و امنیت مطرح کرده این تا حد زیادی قابل استفاده است.

### دکتر عساریان:

□ **ببخشید منبع صحبت هایتان همان کتاب "دولت ها ملت ها و هراس" نوشته "باری بوزان" در دهه نود است؟**

### دکتر لک زانی:

بله. موضوع اصلی مورد مطالعه بنده آن است. حالا چند تا مقاله دیگر هم بود که دیده بودیم. عرضم به حضور شما نسبت به آینده فکر می کنم که در نظریه بوزان چیز روشنی وجود ندارد که آینده امنیت چه خواهد شد. بی توجهی به بحران معنویت و در واقع امنیت فرهنگی جهانی همچنان در نظریه بوزان هست. با توجه بیشتری که ایشان نسبت به امنیت نظامی دارد که اینها در اسلام به گونه دیگری است. در اسلام امنیت از فرد شروع می شود اینکجه جهاد اکبر را حضرت فرمود: علیکم بالجهاد الاکبر. از فرد شروع می شود. اگر امنیت از فرد شروع می شود و امنیت توأم با امنیت و معنویت همراه است، و بعد می آید امنیت ظاهری را مورد توجه قرار می دهد که اینها هم مقید امنیت معنوی هستند چنین چیزی اساساً در این نظریه مورد توجه نیست.

اما اسلام امنیت‌سازی را از فرد شروع می‌کند. چنانچه پیامبر(ص) این کار را می‌کند از فرد شروع می‌کند و آدم‌سازی می‌کند و بعد از شکل گرفتن این آدمها دولت اسلامی می‌تواند شکل بگیرد. یعنی شما نمی‌توانید اول دولت را بسازید. این بحث از فرد شروع می‌شود. حالا اگر بوزان هم همین را که من می‌گویم بگوید که اول باید از فرد شروع کرد، نقد من هم به او وارد نیست.

البته من بعید می‌دانم بوزان اینطور چیزی را بگوید. ولی اگر در این کتاب جدید خود اینطور گفته خوب این نقد وارد نخواهد بود. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به ظلم جهانی از سوی این نظریه است که از آن طرف در فرهنگ ما لا تظلم و لا تظلموا در واقع مورد توجه است و نکته آخر که بحث خیلی طول کشید من تأکید می‌کنم که البته فرمایش آقای ره پیک قدری تعدیل کرد که نه حالا ما به عنوان یک روش بیایم و بررسی کنیم این نظریه را که می‌خواهد در مورد امنیت کار کند. ذاتش چیست و محورش چیست و بیایم با منافع معرفتی خودمان جواب بدهیم. در حدود و جهت گیری‌ها، جاییکه به هر حال باید فقه پاسخ دهد که شما می‌خواهید بگوید چه چیزی از مرجع امنیت برخوردار است و چه چیزی نیست، مرجع امنیت کیست. تمام این‌ها پاسخ‌هایی است که بخش دینی و فقهی باید پاسخ بدهد. این فرمایش امام است که می‌فرماید، تقریباً با این آیه هم معنا است، آیه آخر آیه الکرسی. تعبیر مشهور امام این است که تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله در تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در تمام جهان علیه مشرکین هست ما هستیم.

### دکتر عماریان:

هرچند که از بحث کمی دور شده ایم ولی بنده هم براین اصل هستیم که اگر ستیز ولایت الهی و طاغوت را در نقطه شروع مباحث نادیده بگیریم و صرفاً به نظریات آنان بدون توجه به مظاهر دینی و اسلامی مراجعه کنیم، امکان لغزش به یقین وجود دارد؛ ولو خیلی هم متعهد باشیم، که این منظر در سئوالات آینده ما باید پرداخته شود.

### دکتر لک زائی:

البته این ها ناخودآگاه پیش می آید، ما باید حتماً در استفاده از این نظریات مورد توجه قرار بدهیم و کاستی ها و نقص آنها را هم باید مورد توجه قرار بدهیم. باید ببینیم که این نظریه چقدر می تواند در گسترش حق، دعوت اسلام و حقیقت استفاده شود. اینها نکاتی بود که در دو بخش کلی و جزئی عرض کردم خدمتان. خلاصه اگر بیانات من موجب رنجش خاطر آقای دکتر ره پیک شده عذرخواهی می کنم.

### دکتر عصاریان:

البته در فرمایشات دکتر لک زائی کمتر به کاستی های مکتب توجه شد و بیشتر به ضرورت ها توجه به رویکردهای مکتب اسلام پرداخته شد. انتظار میزگرد بعدی دقیقاً توجه به آنچه اکنون بیان شد، می باشد ولی احساس می کنم قلت منابع در این حوزه این گرایش را ایجاد کرد که ما نظر دکتر لک زائی را در مورد کاستی ها بدانیم تا آماده شویم که در ج.ا.ا باید چگونه در مقابل این مکتب و نفوذ مطالعاتی آن موضع گیری کند. توصیفاتی که در نقادی دکتر لک زائی مشهود بود. غالباً از کتاب دولت ها، مردم، هراس متعلق به نسل پیشین مکتب کپنهاگ است. اما باید توجه کنیم که برای یافتن کاستی ها و نقوض، باید روش شناسی انجام شود و منطقی آن است که با روش شناسی پیش برویم. روش شناسی باعث می شود ادراک منطقی و صحیحی از پدیده و یا دستگاه تحلیل آن حاصل شده و رقیب خود را به خوبی درک کنیم تا از حاشیه نویسی و پیامدگویی پرهیز شود. مصاف ما با این نظریات باید از جنس الاسلام یعلو و لا یعلی علیه باشد. برای این کار شناخت حریف و ادبیات تحلیل و تطبیق آن بسیار مهم است و تقاضا دارم در پاسخ به سئوالات زوایای تاریک و پنهان و تهاجم گونه این مکتب را شفاف سازید. جناب آقای دکتر ره پیک در خدمت شما هستیم.

### دکتر ره پیک:

البته این اتفاق افتاده و ما الان در اواسط حاشیه نویسی هستیم. داریم نقد و حاشیه را می زنیم بعد باید شروع کنیم به تولید کردن و باید چهارچوبهایی را تولید

کنیم و اگر نکردیم باید چهارچوب‌هایی را که هست بگیریم و درک کنیم و نقد کنیم و برسانیم به مرحله‌ای که می‌توانیم چهارچوب تولید کنیم. یا اینکه مهندسی معکوس عمل شود، یعنی این سیستم و چهارچوب آن را تولید کنیم و دیگران حاشیه‌نویسی کنند. ما نمی‌توانیم از اول وارد این حوزه بدون طرح چهارچوبی مشخص شویم. یک نکته هم باید توجه کرد که هم در حوزه سیاست و هم در حوزه امنیت، بنیان کردن یک مکتب، حتماً باید با رویکردی روش‌شناسی و ارزش‌گرا صورت گیرد. نقطه در واقع مفید و آغازین این نظریه این است که ما فاصله خود را با آن درک کنیم و مضار و مزایای این فاصله را بفهمیم. ویژگی مهم کتاب غیرامنیتی کردن مکتب کپنهاگ همین است. فرآیند امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن که بخش عمده‌ای از این کتاب است. به نظر من باید از لحاظ روشی نقد شود. از لحاظ روشی این کتاب برای درک مسئله امنیتی و مدیریت آن، قابل استفاده است. به تعبیری یعنی حرف دارد. اما اگر فرض کنید مثلاً اگر قرار است در کشوری مثل کشور ما لحاظ شود، یک مسائلی را لازم دارد و منطبق این است که به عنوان یک قاعده کلی هزینه‌ها و منابع را بیش از اینکه در حوزه امنیت صرف کنیم در حوزه دیگری صرف کنیم مثل حوزه سیاست به خاطر اینکه حوزه امنیت حوزه خطرناک و پر هزینه‌ای است. ولی در محیط‌هایی که مسائل و تهدیدات ویژه‌ای دارند، این تجویز آیا کامل است یا نه؟

موضوع دیگر بحث تأکید روی مجموعه‌های امنیتی و مسأله در واقع صرف تحلیل منطقه‌ای است. اینهم یکی از مباحث مهم این کتاب است که مقداری قابل بحث است. هم اصلش و هم در رابطه با ج.ا.ا. اصل اینکه امنیت مرکز ثقلش در مجموعه‌های امنیتی ساخته می‌شود و بیشتر به روابط اعضا و خود اعضا مجموعه‌های امنیتی توجه دارد و نوع شکل‌گیری امنیت و توزیع قدرت از پایین به بالاست. خوب این یک موقع با واقعیت‌های موجود مطابقت نمی‌کند.

### دکتر عساریان:

خصوصاً برای مجموعه‌هایی که ما در آن سهم هستیم مثل خاور میانه. به این رویکردها باید به چشم کاستی نگاه شود زیرا این رویکرد در مورد وضعیت موجود



دنیا وجود یک هژمونی را ضرورت می‌داند. که ارزش را تعریف، توزیع و در صورت عدم تمکین، آن را تحمیل می‌کند. شما نمی‌توانید در صورت تمکین به تحلیل‌های بنیادین این مکتب، مدعی شوید که قدرت هژمونی آمریکا در منطقه‌های مختلف مؤثر نیست و یا نباید باشد بلکه اشکال آن را توصیه می‌کنید.

### دکتر ره‌پیک:

بله همین‌گونه است؛ یعنی ما اگر بخواهیم موضوع مجموعه‌های امنیتی بهترین سطح تحلیل برای مجموعه‌های امنیتی باشد. باید به ارتباط این آموزه‌ها توجه کرد. وقتی مسئله امنیتی کردن با مسئله مجموعه امنیتی ارتباط می‌یابد. مسئله امنیتی، بازیگر امنیتی پروسه‌های امنیتی است که سطح تحلیل را به مجموعه‌های امنیتی ختم می‌کند. خوب بازیگران امنیتی در فرایندهای امنیتی مسئله امنیتی تولید می‌کنند. در سطح منطقه‌ای خود بازیگران منطقه‌ای هستند. در حالی که این‌طور نیست توی منطقه خاور میانه بیشتر بازیگران خارجی نفوذ امنیتی دارند و مسئله امنیتی تولید می‌کنند. مثلاً ۱۱ سپتامبر که آمریکا مسئله‌سازی کرد و در خاور میانه آن را پیاده‌سازی کرد. بحث دیگر هم در همان بحث توسعه موضوعات امنیتی است که دکتر عساریان در سئوالات نخستین به آن توجه نشان داد که به نظر من از یک جهت توجه مکتب کپنهاگ را در ادبیات‌سازی آن به عنوان یک امتیاز باید بپذیریم.

### دکتر عساریان:

اما با توجه به جزمیت حاکم فلسفی در آراء لیتل و دال، تطبیق این مسائل با محیط‌های مختلف جواب یکسانی نمی‌دهد. خود آنان نیز مدیریت امنیتی منابع را به عنوان بخشی از راه حل مسئله در مناطق مختلف تفکیک قائل شده‌ و می‌پذیرند.

### دکتر ره‌پیک:

بله، خیلی مهم است. مسائل در حوزه امنیت باید به صورت ویژه مورد بررسی قرار بگیرد همین اشکال در عمل دو کشور هم شاید اتفاق افتاده باشد، مثلاً وقتی

که می‌گویند محیط زیست یک مسئله امنیتی شده. با توجه به اقتصاد... و منابع این سیستم متوجه مسائلی شویم که جامعه آن را در سطح امنیت ملی تأیید نمی‌کند، یعنی مسأله محیط زیست مهم است؛ اما امنیتی نیست. اما برخی موارد هم ممکن است که یک مسأله مهم زیست محیطی، مورد امنیتی هم پیدا کند که می‌شود یک مسأله خاص. بعضی مسائل حتی ظاهر امنیتی دارند ولی واقعاً امنیتی نیستند. این در مدیریت راهبردی کشور هیچگاه پسندیده نبوده است که در ۵ یا ۶ مؤلفه قدرت کشور شکل امنیتی وجود داشته باشد. آخرین نکته نیز این حرف جناب آقای دکتر عساریان هم حرف درستی است که می‌گویند چون حوزه امنیت حوزه ویژه ای است، باید مسائلی برود در سطح تهدیدات وجودی و بقاء ملی دسته بندی شود. یعنی تهدیدات غیر وجودی که مسأله بقا را تهدید نمی‌کند، امنیتی نشود. که همین نقطه تعادل میان توسعه موضوعات امنیتی و محدود کردن مسأله امنیتی است. که البته باید تابع فلسفه سیاسی هر کشور توجیه و تبیین شود. این تئوری در منطق، تئوری قابل تأملی است. ولی ضعف وارده این است که اگر باز دولت‌ها به شرایط محیط خودشان توجه نکنند و به سطح و شکل و گونه تهدیدات توجه نکنند و یا حتی به صورت ریز حوزه اطلاعاتی خودشان را رها سازند، تعریف متمرکز بر تهدید بقا و تهدید وجودی با غافلگیری مواجه شده و نگاه خود را بر امنیت کاملاً مضیق می‌سازد. در تهدید وجودی باید این مطرح شود.

### دکتر عساریان:

به تعبیر بنده برای تئوریزه کردن حوزه امنیت باید به این الگو دست یابیم که هر مسئله ای نمی‌تواند امنیتی شود چون هزینه بالایی را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که هنوز، شاخص‌های آن هم سطحی است. و لذا باید در ادبیات تحلیلی خود در اولین گام تفکیک مفهومی کرده و بگوییم تهدید وجودی، تهدیدات پیرامونی و حاشیه تهدید وجودی برای کنترل تهدیدات.

### دکتر ره‌پیک:

به نظر من در مسائل کلی که اشاره شد این نقدها را می‌شود به همین ترتیب وارد کرده و به تدریج به عمق رفته و بعد از کالبد شکافی و آسیب شناسی، رویکرد

خود را مشخص کنیم. ولی در سطح حرفه ای و تکنیکی بخش امنیت، نقد و بررسی می تواند در ۴ یا ۵ موضوع که موضوعات شاخص مکتب کپنهاگ است.

### دکتر عساریان:

من مجدداً از حضور اساتید و اشارات آنها تشکر می کنم و توجه داشته باشید که مهمترین کاستی ها و آسیب این مکتب فراز و فرود آن بوده است که روی یک نظریه مشخص امنیتی ثبات نداشته است. همان گونه که دکتر لک زائی اشاره داشتند از رئالیسم به نئورئالیسم و رئالیسم جدید و سپس ورود در تحلیل و نهادمندی و امنیت اجتماعی و بعد وارد ساختارهای منطقه ای شده و در نهایت در جریان ۱۱ سپتامبر کاملاً دولت محور اقتدار گرا با نخله جنگ تمدن ها شده و موضع گیری کرد و تعداد زیادی از اندیشمندان طرفدار مکتب کپنهاگ بر توسعه هژمونیک و رهبری آمریکا در مقابله با تروریسم توصیه نمودند. به نظر می رسد جدای از اجرای برخی از متابعین نظرات وارداتی و محصولات مطالعاتی امنیت این مکتب به دلیل این مشکلات نتوانست در حوزه مطالعات امنیتی یک وفاق همه جانبه ای ایجاد کند. چون صلح و جامعه گرایی بسیار انتزاعی و غیر واقعی ترسیم شده است. اما آسیب فراتر از آن این است که چرا در تحلیل ها و تحقیقات امنیتی در کشور کمتر به سراغ این کاستی و رفع این نقیصه می رویم در حالی که باید بدانیم این مکتب بدون توجه به این کاستی ها در نظریه های امنیتی ج.ا.ا چه جایگاهی را به خود اختصاص داده و چه آسیب هایی را می تواند تولید کند ان شاء... در ادامه این میزگرد را که زیر نظر دانشکده امنیت ملی انجام می شود خدمت عزیزان تقدیم کنیم تا هم بتوانیم زمینه مؤثری را جهت فراهم سازی سازوکاری مطلوب مطالعات امنیتی کشور فراهم کنیم. توجه داشته باشیم این کشور و تمامی منابع آن باید زمینه ساز و بستر ساز امن ظهور حضرت بقیه... الاعظم باشد و رویکردهای ما هرچه قرآنی و اسلامی تر باشد اطمینان و اتکاء به امنیت فراهم آمده پایدارتر و مرضی رضای ایشان است. ان شاء...

در پایان میزگرد رئیس دانشکده امنیت ملی از حضور اساتید و غنای مطالب  
تشکر کرده و اظهار امیدواری نمودند که در میزگرد سوم بتوان تأثیرات نفوذ مطالعات  
امنیتی این مکتب را در مطالعات حوزه امنیتی ج.ا.ا.  
و سطح شناخت و تحلیل امنیت به بحث و بررسی نهاد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی